

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه مباحث گذشته

عنوان مسئله 17 این است که آیا شهر هلالی ملحق به «ثلاثین یوماً» است یا خیر؟! به بیان دیگر آیا همان گونه که در تردد به «ثلاثین یوماً» اکتفا می شود، به شهر هلالی نیز می توان اکتفا نمود یا خیر؟!

محل نزاع در مسئله 17

بیان محل نزاع به این صورت است که آیا ملاک عنوان شهر هلالی است اعم از این که بیست و نه یا سی روز باشد کما این که در عده وفات وقتی می گوئیم چهار ماه و ده روز ملاک شهر هلالی است اعم از این که یک ماه آن بیست و نه یا یک ماه آن سی روز باشد یا خیر.

یا این که تمام ملاک ثلاثین یوماً است. یا باید تفصیل داد به این بیان که اگر تردد در آنات اولیه تکنون هلال است، ملاک شهر هلالی است اما اگر تردد بعد از آنات اولیه تکنون هلال باشد مثل روز دوم، سوم یا چهارم ماه ملاک ثلاثین یوماً است.

به تعبیر دقیق تر آیا ملاک، شهر به صورت مطلق است چه تردد در آنات اولیه باشد یا نباشد که در این صورت باید فاصله یک هلال با هلال دیگر در نظر گرفته شود.

یا ملاک مضمی ثلاثین یوماً به صورت مطلق است یعنی چه تردد در آن اول تکنون هلال باشد یا در اثناء باشد که در این صورت باید سی روز بگذرد. پس اگر برای شخصی در آن تکنون تردد حاصل شد اما در عین حال ماه بیست و نه روز بود فائده ندارد و باید یک روز از ماه بعد را نیز در نظر بگیرد.

یا باید تفصیل داده و بگوئیم شهر هلالی در موردی است که تردد در اولین زمان تکنون هلال حاصل شود. اما سی روز در موردی است که تردد در اثناء شهر هلالی واقع می شود.

اقوال در مسئله 17

از عبارت مرحوم سید و امام و صاحب مجمع الفائده و البرهان (رحمة الله علیهم) قول به تفصیل استفاده می شود؛ یعنی اگر تردد در آنات اولیه تکنون هلال باشد ملاک شهر هلالی است اعم از این که بیست و نه یا سی روز باشد. اما اگر تردد در اثناء باشد ملاک مضمی ثلاثین یوماً است.

مرحوم علامه (ره) در کتاب تذکره ملاک را ثلاثین یوماً به صورت مطلق قرار داده است اعم از این که تردد در اثنا یا در آنات اولیه باشد. بر حسب آنچه مرحوم صاحب جواهر (ره) بیان نموده اکثر متأخرین از ایشان تبعیت نموده اند.

در عبارت جمعی یا کثیری از فقها قبل از مرحوم علامه (ره) مانند مرحوم صدوق (ره) در المقنع مرحوم سید مرتضی (ره) در جمل العلم و العمل مرحوم شیخ (ره) در المبسوط و الخلاف مرحوم سلار (ره) در المراسم مرحوم ابن حمزه (ره) در الوسيله مرحوم ابن ادریس (ره) در سرائر و مرحوم علامه (ره) در منتهی تعبیر به «شهر» وجود دارد و ظاهر عبارت این است که آن را مطلقاً ملاک می دانند اعم از این که تردد در آن اولیه تکون هلال یا در اثنا باشد.

برخی مانند مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی (ره) در کتاب صلاة المسافرين که مرحوم علوی خوانساری (ره) مقرر آن هستند، قول دوم را اختیار نموده است اما در ادامه می فرماید: اگر از قول مذکور تنزل نموده و قائل به کفایت شهر در این بحث شویم، تفصیل معنائی ندارد بلکه باید بگوئیم شهر مطلقاً موضوع است چه تردد در آن اولیه و چه در اثنا باشد.^[1]

مرحوم صاحب جواهر (ره) ابتدا ادله قول به ثلاثین را ذکر نموده و سپس در این قول مناقشه نموده و سپس تصریح دارند که قول مرحوم صاحب مجمع الفائده و البرهان (ره) که تفصیل باشد صحیح است. اما در ادامه از تفصیل نیز عدول و احتیاط را اختیار نموده و اصول عملیه موجود در مقام را جاری می داند.

مرحوم بروجردی (ره) برای قول به ثلاثین به صورت مطلق پنج دلیل و وجه ذکر نموده است اما در انتها از عبارت ایشان چنین استفاده می شود که نمی توان به این قول جزم پیدا نمود و با وجود شک باید اصول عملیه را پیاده نمود.

مرحوم خوئی (ره) نیز در این بحث می فرماید: در این مسئله دو دسته روایات وجود دارد که این ها قابل جمع نبوده و تعارض و تساقط می کنند. در مرحله بعد باید سراغ ادله عامه رفت.

مرحوم حکیم (ره) و برخی محشین عروه نیز قول مرحوم سید (ره) - تفصیل - را نپذیرفته و قول ثلاثین یوماً مطلقاً را انتخاب نموده اند.

ادله در مسئله 17

در این مسئله دو دسته و طائفه روایات وجود دارد: الف - در اکثر روایات این مسئله عنوان «شهر» ذکر شده است که پیش از این ذکر شد؛ مانند صحیح ابی ولاد حضرت که می فرمایند: «فَقَصِّرْ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ شَهْرٍ»^[2] یا در صحیح زرارہ حضرت می فرمایند: «قَصِّرْ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَنْ يَمْضِيَ شَهْرٌ»^[3] یا در روایت ابوبصیر حضرت می فرمایند: «فَلْيُقَصِّرْ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ شَهْرٍ»^[4]

ب - مصححه ابویوب که وی از محمد بن مسلم نقل نموده است و در آن تعبیر «فَلْيَعُدَّ ثَلَاثِينَ يَوْمًا»^[5] وارد شده است. مرحوم بروجردی (ره) نسبت به این روایت می فرماید: در این روایت ابو ایوب از محمد مسلم نقل نموده است در حالی که در روایت دیگر محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) تعبیر «شهر» را نقل نموده است.

اگر این دو روایت را به عنوان یک روایت دانسته و بگوئیم نمی دانیم در این روایت تعبیر «ثلاثین یوما» یا «شهر» وجود دارد، تنها روایات «شهر» برای ما باقی می ماند.

اما اگر بگوئیم این‌ها دو روایت هستند و در یک نقل مضمی شهر و در خبر دیگر محمد بن مسلم مضمی ثلاثین را به ابو ایوب گفته‌است، در نتیجه طبق روایت ثلاثین باید میان روایات طائفه اول و دوم جمع نمائیم.

نکته حائز اهمیت این است یک قول می‌گوید: روایات تنها یک دسته هستند و آن روایاتی است که تعبیر «شهر» در آن‌ها ذکر شده‌است در نتیجه اولاً باید معنای شهر در این روایات روشن شود. فتاویٰ قدمات که بیشتر بر مبنای روایات بوده‌است عنوان «شهر» را انتخاب نموده‌اند. اولین شخصی که عنوان «ثلاثین یوماً» را مطرح کرده‌است مرحوم محقق (ره) در مختصر النافع است.

ثانیاً با این فرض که دو طائفه روایت وجود دارد که برخی دال بر ثلاثین یوماً و برخی دال بر شهر هستند، باید دید چگونه می‌توان میان این دو دسته روایات جمع نمود؟!

تحقیق در مورد معنای «شهر هلالی»

در مورد معنای شهر هلالی باید این مسئله مورد بررسی قرار گیرد که آیا شهر هلالی از آغازین نقطه تکون هلال تا قدوم هلال ماه آینده است که در این صورت باید بگوئیم زمانی که ائمه (علیهم‌السلام) می‌فرمایند: «یمضی شهر» به این معنا است که اگر تردد در آغازین نقطه تکون ماه هلالی بود باید یک ماه هلالی سپری شود؛ در حالی که این مطلب صحیح نیست به این جهت که حمل مذکور، حمل بر فرد نادر است به این بیان که از اقسام زیادی که برای تردد وجود دارد شاید یک قسم آن هم از آغازین زمان تکون شهر هلالی واقع نشود، لذا این احتمال باید کنار گذاشته شود.

احتمال دیگر این است بگوئیم مراد مضمی یک شهر کامل است پس حتی اگر برای شخص در اثناء ماه مانند دهم ماه تردد حاصل شد، این مقدار زمان تا رسیدن ابتدای ماه کالعدم است و اگر در ماه هلالی بعد نیز تردد وجود داشت می‌گوئیم موضوع روایات محقق شده‌است.

برخی مانند مرحوم بروجردی (علیهم‌السلام) می‌فرمایند: این احتمال به مقداری ضعیف است که قابل اعتنا نمی‌باشد. مرحوم خوئی (علیهم‌السلام) در مورد این احتمال می‌فرماید: احتمال مذکور بر خلاف ضرورت فقه است چون بالضروره در فقه نمی‌توانیم برای تردد بیشتر از سی روز موضوعیت قائل شویم؛ در حالی که طبق این احتمال شخص باید بیشتر از سی روز در یک مکان و در حال تردد بماند.

احتمال دیگر این است که بگوئیم مراد از شهر، نفس مابین الهلالین نیست بلکه مقدار ما بین الهلالین است که هم صدق بر بیست و نه روز و هم صدق بر سی روز دارد.

کلام مرحوم صاحب جواهر (علیهم‌السلام)

مرحوم صاحب جواهر (علیهم‌السلام) در بیان نزاع می‌فرماید: تعبیر شهر یا مشترک لفظی میان بین الهلالین و ثلاثین یا مشترک معنوی میان این دو است؛ یعنی مقدار بین الهلالین عنوانی عام است که شامل بیست و نه روز و سی روز می‌شود. یا در یکی حقیقت و در دیگری مجاز است یعنی بین الهلالین در بیست و نه روز حقیقت و در سی روز مجاز می‌باشد یا بالعکس.^[6]

به بیان دیگر بعد از بیان اشکال نسبت به معنای اول و دوم شهر باید بگوئیم مراد از شهر مقدار ما بین الهلالین که مردد میان بیست و نه و سی است یا مشترک لفظی یا مشترک معنوی یا در یکی حقیقت و در دیگری مجاز است.

در مرحله بعد اگر روایت نقل شده توسط ابو ایوب از محمد بن مسلم را به عنوان طائفه دوم در کنار طائفه اول قرار دادیم یا باید بگوئیم کلمه شهر مجمل است در نتیجه روایت ابو ایوب مبین آن می‌شود. یا باید بگوئیم کلمه شهر مطلق است در نتیجه روایت ابو ایوب مقید آن می‌شود. یا باید بگوئیم کلمه شهر در بیست و نه حقیقت و در سی مجاز است در نتیجه روایت ابو ایوب قرینه صارفه بر اراده مجاز می‌شود.

مرحوم صاحب جواهر (علیه السلام) در این بحث می‌فرماید: این مباحث مبتنی بر این است که میان طائفه اول و دوم تنافی و تعارض وجود داشته باشد که در نتیجه مجمل باید حمل مبین و مطلق باید حمل بر مقید شود در حالی که میان این دو طائفه تنافی وجود ندارد.

تنها روی دو قول مناقشه وجود دارد: الف - کلمه شهر مشترک معنوی میان بیست و نه و سی است و از آنجا که در مشترک معنوی می‌گوئیم صدق شهر وجود دارد پس اکتفا بر هر کدام از این دو فرد کافی می‌باشد.

ایشان در ادامه به بحثی اصول اشاره نموده و می‌فرماید: این که در اصول می‌گویند: تخییر بین اقل و اکثر محال است به این معنا نیست که در مسئله محل بحث شارع ما را میان بیست و نه و سی روز مخیر نموده باشد بلکه به این معنا است که به هر کدام محقق شد می‌توانی اکتفا نمایی.

سپس می‌فرماید: دو فرض در مورد اکتفا به تحقق هر کدام قابل تصور است: الف - 1 - گاهی میان شهر هلالی و سی روز امکان اجتماع وجود دارد. الف - 2 - گاهی میان شهر هلالی و سی روز امکان اجتماع وجود ندارد مثل موردی که ماه سی روز نباشد.

اما ایشان در مورد روایت ثلاثین می‌فرماید: باید آنرا به مورد غالب حمل نمود یعنی غالب شهرهای هلالی سی روز هستند لذا با روایت شهر تنافی ندارد؛ کما این که در آیه شریفه «وَرَبَّانِیْکُمُ اللَّاتِیْ فِیْ حُجُورِکُمْ»^[7] می‌گوئیم این قید غالبی است و صلاحیت تقیید ندارد.

ایشان در ادامه ادعایی را به منزله آن قلت مطرح نموده و پاسخ می‌دهد. مستشکل می‌گوید: ولو روایت ابو ایوب را مقید برای کلمه شهر در روایات قرار ندهیم اما اطلاق لفظ شهر باید حمل بر ثلاثین شود چرا که در رابطه با روایت ثلاثین می‌گوئید این مورد غالبی است پس باید در مورد روایت شهر نیز بگوئید مورد غالبش ثلاثین یوماً است نه این که بگوئید مشترک معنوی می‌باشد.

بله اگر روایت شهر را مطلق گذاشته و غلبه را کنار بگذاریم راهی باقی نمی‌ماند جز این که روایت ابو ایوب را مقید قرار دهیم.

به بیان دیگر مستشکل می‌گوید: یا غلبه را در مورد روایت ابو ایوب قبول دارید یا ندارید. اگر قبول داشته باشید و بگوئید صلاحیت تقیید ندارد باید لفظ شهر را نیز حمل بر مورد غالب که ثلاثین یوماً باشد نمائید. اگر قبول نداشته باشید باید روایت شهر را به سبب روایت ابو ایوب تقیید بزنید.

مرحوم صاحب جواهر (علیه السلام) در پاسخ می‌فرماید: میان اطلاق روایات شهر و اطلاق مصححه ابو ایوب تفاوت وجود دارد به این بیان که در دومی غلبه وقوع کافی است یعنی این که امام (علیه السلام) فرموده است ثلاثین، به اعتبار غلبه وقوع در خارج است که حکمت بیان ثلاثین توسط امام (علیه السلام) این است که غالباً تردها در اثنا واقع شده و اثناء موضوع برای ثلاثین می‌باشد. البته مرحوم صاحب جواهر (علیه السلام) می‌فرماید: اگر تردد در اثناء باشد خلافی نیست که ثلاثین معتبر است.

ضمن این که کلام امام (علیه السلام) در مصححه ابویوب در صدد نفی تلفیق و حاوی این حکمت است که اگر برای کسی در اواسط ماه تردید حاصل شد نتواند از دو ماه به صورت تلفیقی بیست و نه روز را انتخاب کند بلکه باید سی روز به صورت مردد باقی بماند.

بخلاف اطلاق روایات طائفه اول که هر چند از حیث وجود خارجی بیست و نه روز کمتر از سی روز است، اما از حیث استعمال شهر در روایات، این تعبیر هم قابل تطبیق بر سی روز و هم قابل تطبیق بر بیست و نه روز بوده و استعمال در بیست و نه روز استعمالی نادر نیست تا در صورت شک بگوئیم باید حمل بر مورد غالب که سی روز است شود.

ایشان در ادامه می فرماید: صرف نظر از این کبری کلی ندرت وجود خصوصاً در مسئله بحث مفید فائده نیست چرا که ندرت در این جا مربوط به حدوث فعل در آنات اولیه است پس اصل بیست و نه روز بودن شهر نادر نیست.

ب - دومین موردی که طبق آن مناقشه وجود دارد جایی است که شهر را حقیقت بین الهالین قرار بدهیم. این صورت نیز با روایت ابی ایوب منافاتی ندارد چرا که در روایت کفایت سی روز مطرح شده است. در مقابل سایر روایت می فرمایند: حقیقت ما بین الهالین کافی است اعم از بیست و نه و سی روز که در نتیجه نمی تواند این روایات را منحصر در سی روز نماید.

مرحوم صاحب جواهر (علیه السلام) در ادامه می فرماید: کلام مرحوم صاحب مجمع الفائده و البرهان (علیه السلام) که قائل به تفصیل شویم قابل پذیرش است.^[8]

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

- [1]. «ثمّ لو قيل بكفاية الشهر فالفرق بين ما إذا وقع التردد أول الشهر أو وسطه باعتبار الثلاثين لا وجه له.» صلاة المسافر (للسيد الأصفهاني)، ص: 131.
- [2]. وسائل الشيعة، ج8، ص: 499.
- [3]. وسائل الشيعة، ج8، ص: 500.
- [4]. وسائل الشيعة، ج8، ص: 502.
- [5]. وسائل الشيعة، ج8، ص: 501.
- [6]. «أنه هو إما مشترك لفظي بين ما بين الهالين و الثلاثين، أو معنوي أو حقيقة في أحدهما مجاز في الآخر.» جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج، ص: 317.
- [7]. نساء، 23.
- [8]. «و قد يناقش فيه بأنه بناء على اشتراك لفظ الشهر بينهما اشتراكاً معنوياً لم تصلح الحسنة المزبورة لتقييده، ضرورة اقتضاء تعليق الحكم على الشهر الاجتزاء بكل من فرديه لا على التخيير، بل على الاكتفاء بأيهما تحقق، و هما يمكن اجتماعهما و انفراد كل منهما عن الآخر، و لا ينافيه الأمر بعد الثلاثين في الحسنة بعد تسليم الخصم كون الغالب غير الصورة المذكورة المقتضي لخروج الأمر حينئذ مخرج الغالب، فلا ينافي ذلك الإطلاق كي يجب حمله عليه و إبطال دلالة على ما عداه، مع أن من شرط حمل المطلق على المقيد تحقق التعارض الموجب لذلك. و دعوى أنه و إن لم نقل بتحكيم الحسنة المذكورة إلا أنه يجب صرف إطلاق الشهر الى الثلاثين لهذه الغلبة أيضاً كما صرف إطلاق الأمر بالعد في الحسنة الى ذلك، و إلا لو أبقى على إطلاقه الشامل لما لو كان التردد من أول الشهر لم يكن إشكال في التقييد يدفعها وضوح الفرق بين المقامين، ضرورة كفاية غلبة الوقوع في صرف الثاني، لأن مرجعه الى وجود حكمة لتخصيص الأمر بأحد الفردين، و هي تكفي فيه، خصوصاً مع اعتضاها بحكمة أخرى، و هي نفي احتمال التلفيق هالياً لو كان التردد في غير الأول بخلاف المطلق الأول الذي لا يجوز العدول عن مقتضى إطلاقه إلا في الأفراد النادر

إطلاقه عليها لا النادر وجودها، خصوصا إذا كان النادر اتفاق الفعل فيها لا هي، كما إذا كان المطلق من أسماء الأزمنة نحو ما نحن فيه، على أن هذه الندرة انما هي بملاحظة كثرة مصاديق الآخر المقابل لها، وإلا فأول الشهر كثنائية، و ثالثه و رابعه بالنسبة إلى اتفاق التردد فيه...» جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج، ص: 318 به بعد.